

هو الله

اسکندرپه

جناب اسمین حاجی آقا محمد جناب محمدعلی رشتی جناب محمدحسین یزدی جناب میرزا مجد الدین جناب آقا عبد العلی جناب استاد عبد الغنی خیاط جناب آقا علی یزدی جناب میرزا فضل الله جناب محمد صالح جناب آقا میرزا اسدالله جناب محمد پسر آقا علی علیهم بهاء الله الابهی

هو الله

ای احبای الهی خبر پرمسرت اتحاد و اتفاق احبای در اسکندرپه رسید چه خبر خوشی بود که سبب روح و ریحان عبدالبهاء گشت قسم بجمال قدم روحی لاحتیائه المتحدین فدا که فرح و سروری از برای عبدالبهاء نه جز بشارات اتحاد و اتفاق احبای زیرا اس اساس امر الله وحدت و یگانگی و محبت است که باید چنان قلوب و ارواح و انفس احبای الله را احاطه کند که کل عبارت از یک هیکل رحمانی شوند و هر یکی جزئی از اجزا و عضوی از اعضا لهذا باید و شاید و سزاوار چنین است که هر یک خود را قربان یکدیگر نمایند و فدائی همدیگر شوند اگر احبای باینمقام بلند اعلی رسند آنوقت جنت ابهی در قطب امکان خیمه و خرگاه زند و کوه و دشت و صحرا ریاض ملاً اعلی شود آه و شوقی لتلك الموهبة العظمی و ظمأ قلبی لذلك الماء العذب الفرات

ای احبای الهی قدری تأمل و تفکر در عنایات جمال مبارک نمائید که آن ذات مقدس تحمل صد هزار محن و آلام فرمود و ایام مبارکش جمیع بصددمات شدیده گذشت تا آنکه نفوسی مبعوث شوند که در ظل کلمة الله المطاعه آیات توحید گردند و بینات تفرید مظاهر محبت گردند و مطالع انوار الفت از بیگانگی بگذرند و بیگانگی حقائق و نفوس نورانیه پی برند علم اتحاد برافرازند و خیمه اتفاق بلند کنند جام صهای وحدت اصلیه در دست گیرند و در انجمن توحید رقص کنان جنود اختلاف را شکست دهند ای احبای الهی آیا از اختلاف در هیچ عهدی ثمری اثری بار و بری لا والله همیشه اختلاف ریشه کائنات را برانداخت و ائتلاف مطموره امکانرا معموره لا مکان نمود قوت جامعه محیط بر قوای جامعه بوده و وحدت قلوب کاشف کروب پس شب و روز تضرع و ابتهاج نمائید و از حضرت ذو الجلال طلب صفای قلوب و وفای نفوس کنید اگر یکی از احبای قصوری نمود عفو رب غفور را بخاطر آرید و مخالفت نفس شرور نمائید زیرا نفس در غایت غرور است اعاذنا الله و ایاکم منهذا المغرور زمام از دست گیرد و در میدان طغیان جولان کند چاره جز تضرع و ابتهاج نیست و دوائی جز عجز و نیاز نه ان النفس لامارة بالسوء الا ما رحم ربی و علیکم البهاء ع ع